

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۹۱

جمعه ۲ آبان ۱۳۹۹، ۲۳ اکتبر ۲۰۲۰

نامه سرگشاده حمید تقوایی به دبیرکل سازمان ملل آنتونیو گوتیس:

رژیم اسلامی ایران را از جامعه جهانی بیرون کنید!

آقای دبیرکل

گزارش شما به هفتاد و پنجمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران که هفته گذشته منتشر شد توجهات را به نقض گسترده حقوق بشر در ایران، بویژه طی چند سال اخیر، جلب می کند. گزارش شما بار دیگر آنچه مردم ایران و حزب ما طی چهل و یک سال موجودیت رژیم اسلامی ایران درباره جنایات این رژیم گفته اند و حول آن کارزار کرده اند تائید می کند.

هر کس که گزارش شما و همچنین گزارش جامع سازمان عفو بین الملل درباره جنایات هولناک رژیم اسلامی ایران در جریان و بدنبال اعتراضات آبان ۹۸، که در ماه سپتامبر امسال منتشر شد (*ویرانگران انسانیت: بازداشتهای گسترده، ناپدیدسازی و شکنجه در پی اعتراضات آبان ۹۸ در ایران*) را می خواند، نمی تواند به نتیجه ای جز این برسد که چنین حکومتی باید از لحاظ سیاسی و دیپلماتیک از طرف همه دولت ها و نهادهای بین المللی - و قبل از همه سازمان ملل متحد - بایکوت شده و از جامعه جهانی بیرون رانده شود.

در عین حال، توصیه های مندرج در گزارش شما، در عین اینکه بدست رژیم اسلامی ایران را بخاطر جنایات هولناکش مسئول شناخته و آن را برای گردن نهادن به پایه ای ترین موازین و پروتکل های حقوق بشر، که در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده اند، تحت فشار قرار می دهد، اساسا از آنچه مردم ایران از جامعه بین المللی می خواهند و انتظار دارند پائین تر است. با استناد به گزارش خود شما و پرونده رژیم اسلامی در طول تاریخ خونبارش، رژیم سیاسی موسوم به "جمهوری اسلامی ایران" (که "جمهوری" نام بی پایه ای برای آن است) یک حکومت "عادی" و متعارف، با هر تعبیری از این کلمه، نیست. این رژیم، "حکومت ایران"، یا نماینده مردم ایران، حتی در ابتدائی ترین مفهوم دیپلماتیک و حقوقی آن نیست. بقای این رژیم تنها با اعمال ترور و خشونت قرون وسطائی و زور وحشیانه علیه مردم و در متن فقدان کامل هر نوع مکانیزم نمایندگی سیاسی و دادخواهی ممکن بوده است. این رژیم نه طبق خواست مردم ایران، که در یک

ادامه در صفحه ۲



Antonio Guterres



صفحه ۲

اعتصاب مرداد نفتگران ضربه ای به دژ پادگانی نفت

صفحه ۳

شهلا دانشفر

یک پوزه بند برای دهان محمد جواد لاریجانی!

صفحه ۴

مینا احدی

احزاب سیاسی و چهره هائی نظیر شجریان

صفحه ۵

حمید تقوایی

خبری از پرداخت بیمه بیکاری به میلیونها کارگر بیکار نیست!

صفحه ۶

محمد شکوهی

کرونا و منشاء درماندگی بشر

صفحه ۷

میلااد رابعی

از مادیای اجتماعی حزب

استعفای دسته جمعی اعضای هیات دوچرخه سواری ارومیه

صفحه ۷

از الله اکبر خون میچکد - اصغر کریمی

صفحه ۹

دستگیری زن دوچرخه سوار یک روز بعد از دوچرخه سواری

صفحه ۹

اطلاعیه ها

۱- اول محاکمه

صفحه ۱۰

۲- تلخیصی از اطلاعیه های خبری حزب - (۵ اطلاعیه)

صفحه ۱۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نامه سرگشاده حمید تقوایی به دبیرکل سازمان ملل آنتونیو گوترس: رژیم اسلامی ایران را از جامعه جهانی بیرون کنید!



انتخابات آزاد بیان کرده باشند - چرا که چنین مکانیزمی وجود ندارد - بلکه صرفاً بزور کشتار و سرکوب سر پا است. این رژیم، بنابراین، حتی شرایط صوری یک موجودیت حکومتی، که ظاهر مردم یک کشور را نمایندگی می کند، را ندارد. رژیم اسلامی ایران یک نیروی تبهکار و مطرود، مجمع راهزنان اقتصادی و قاتلین سیاسی است که با اعمال جنایتکارانه اش، چه در داخل کشور و چه در خارج آن، فی الحال حق شرکت در جامعه جهانی را از خود سلب کرده است. بنابراین، هر اقدام حقیقی و موثر برای پایان دادن به اعمال جنایتکارانه این نیروی وحشی، و رهائی مردم ایران و جهان از شر آن، باید با اخراج و انزوای آن از جامعه جهانی همراه باشد، آنچه که زمانی دنیا با حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی انجام داد. جنایت هائی که رژیم اسلامی ایران طی بیش از چهار دهه عمر خود علیه بشریت مرتکب شده است، از جمله، کشتار دهها هزار نفر از مخالفین سیاسی و زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، و در ادامه آن، زندانی کردن، شکنجه و اعدام فعالین کارگری، زنان و دانشجویان در تمام این مدت، کشتار ۱۵۰۰ نفر از معترضین در آبان ۹۸، شلیک عامدانه بر پرواز پی اس ۷۵۲ و کشتار ۱۷۶ نفر سرنشینان آن، و بالاخره، اعدام نفرت انگیز کشتی گیر فخرمان نوید افکاری در شهریور ماه امسال بعلت شرکت در تظاهرات های ضد حکومتی، علیرغم اعتراض میلیون ها نفر در سرتاسر جهان برای آزادی اش، تنها با هولناک ترین جنایت های سیاسی تاریخ، با قتل عام های حکومت نازی، کشتار کمونیست ها در اندونزی و نسل کشی در رواندا قابل مقایسه است.

این رژیم مطلقاً اعتبار و مشروعیتی نزد مردم ایران ندارد. مردم ایران طی

سالها، در تظاهرات ها و اعتصابات بیشمار خود و از طریق کارزارهای وسیع جهانی، نظر خود را نسبت به این حکومت بیان کرده اند: رژیم اسلامی ایران نماینده آنها نیست، قاتل آنهاست. این حکومت صرفاً یک ماشین کشتار متشکل از جنایتکاران سیاسی و اقتصادی است که برای حفظ خود، دستگیر می کند، شکنجه می کند و می کشد. ادامه بقای این رژیم نه تنها برای مردم ایران بلکه، بعنوان یک نیروی ارتجاعی تروریست، برای مردم منطقه، در کشورهای مانند عراق، سوریه و لبنان، و برای همه مردم دنیا مخرب است. هر ثانیه بقای این رژیم لکه ننگی بر وجدان بشریت است.

همانطور که رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی زمانی از طرف جامعه جهانی بخاطر محروم کردن اکثریت مردم آن کشور از شان و مقام انسانی طرد و بایکوت شد، رژیم اسلامی ایران، رژیم آپارتاید جنسی، نیز بدلیل محروم کردن زنان از شان و مقام انسانی و جنایات بیشمار دیگرش باید طرد و بایکوت شود. این آن چیزی است که مردم ایران از جامعه جهانی می خواهند و انتظار دارند.

بطور مشخص، ما خواهان آن هستیم که سازمان شما از طریق اقدامات زیر به جنایات رژیم اسلامی ایران برخورد کند:

۱- سلب شناخت دیپلماتیک از رژیم اسلامی ایران بعنوان "دولت عضو سازمان ملل متحد" با توجه به اینکه این رژیم با عدم

مشروعیت اش نزد مردم ایران و با رفتاری مبتنی بر نسل کشی و بی اعتنائی کامل به حیات انسان، فاقد شرایط بعنوان "دولت عضو" است؛

۲- درخواست از همه دولت های عضو سازمان ملل که آنان نیز رژیم اسلامی ایران را برسمیت نشناسند؛

۳- تجدید بایکوت تسلیحاتی رژیم اسلامی ایران از طریق احیای قطعنامه های پیشین یا با تصویب قطعنامه های جدید برای اینکه این رژیم توان خرید و فروش سلاح بمنظور گسترش عملیات تروریستی اش در داخل و خارج کشور را نداشته باشد؛

۴- درخواست از تمام دولت های عضو که قوی ترین بایکوت های سیاسی، تسلیحاتی، فرهنگی و ورزشی را بر رژیم اسلامی ایران اعمال کنند؛

۵- در همکاری با سازمان جهانی کار (ای ال او)، لغو عضویت رژیم اسلامی ایران در این سازمان با توجه به سالها آزار، دستگیری، زندان، شکنجه و اعمال مجازات شلاق علیه فعالین کارگری که برای خواست های برحق خود مبارزه می کنند و نقض حق کارگران برای سازمانیابی آزادانه در

ویرانگری را ایفا کرده است.

جمهوری اسلامی عامل سرکوب مردم در ایران و در منطقه و یک رکن تروریسم اسلامی در جهان است. به هر میزان که این رژیم بتواند در پرتو مجوز سازمان ملل خود را به سلاحهای تهاجمی و دفاعی مجهز کند به همان میزان به عمر ننگین و پر از جنایت خود افزوده است. کمک به تداوم عمر این رژیم عملاً بجز دشمنی با مردم ایران و همه مردم جهان معنایی ندارد.

حزب کمونیست

اسلامی که در داخل کشور یک ماشین قتل و کشتار علیه مردم ایران سازمان داده است و در سطح جهانی یکی از ستونهای اصلی تروریسم اسلامی است بهیچوجه قابل قبول نیست و باید خاتمه یابد و ممنوع اعلام گردد. امروز جمهوری اسلامی منبع اصلی تروریسم در سطح منطقه و باعث کشتار مردم بی دفاع در شهرها و خیابان های کشورهای غربی است و با دخالت و یا حضور نظامی خود در عراق، یمن، سوریه، لبنان و افغانستان نقش مخرب و

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

سازمان های مستقل خود؛

۶- اقدام به برگزاری یک دادگاه بین المللی برای محاکمه سران و مسئولین رژیم اسلامی ایران بجرم جنایت علیه بشریت؛

۷- در همکاری با دولت ها و نهادهای حقوقی و انتظامی، اقدام به دستگیری سران و مسئولین رژیم اسلامی ایران که مظنون به جنایت علیه بشریت هستند هنگام ورود به خاک کشورهای مربوطه، و بازداشت آنها تا زمان آغاز اقدامات قانونی علیه آنان.

ضمن استقبال از اعتراض شما به جنایات رژیم اسلامی ایران، که در گزارش اخیر شما منعکس است، می خواهم تاکید کنم که تنها با دست زدن به اقداماتی نظیر موارد بالا می توان برای پایان دادن به جنایات رژیم علیه مردم ایران و مصون داشتن مردم جهان از حرکات و تهدیدات مخرب این رژیم گامی موثر و قابل توجه برداشت.*

با احترام

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب
کمونیست کارگری ایران
(متن حاضر از متن
اصلی انگلیسی ترجمه شده
است)

کارگری ایران مردم جهان را فرا می خواند که با اعمال فشار بر دولتها و مراجع بین المللی از آنها بخواهند که جمهوری اسلامی را به لحاظ نظامی و تسلیحاتی نیز تحریم کنند و راه هر گونه قرارداد و یا مبادله نظامی و تسلیحاتی با این رژیم را مسدود نمایند.*

حزب کمونیست
کارگری ایران

۲۸ مهر ۱۳۹۹
۱۹ اکتبر ۲۰۲۰

جمهوری اسلامی باید از نظر نظامی و تسلیحاتی کاملاً تحریم شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party Of Iran

را رژیم قاتل مردم ایران و یک تهدید جدی برای مردم منطقه و جهان می داند و خواهان بایکوت سیاسی، نظامی و تسلیحاتی، فرهنگی و ورزشی این رژیم است.

از نظر ما هرگونه روابط نظامی و معاملات تسلیحاتی با جمهوری

خود سبزه سال پیش شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ای خرید و فروش سلاحهای متعارف در ارتباط با جمهوری اسلامی را منع کرد. این تحریم تسلیحاتی در روزهای اخیر پایان یافته است. حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی

اعتصاب مرداد نفتگران ضربه ای به دژ پادگانی نفت شهلا دانشفر



نفتگران بعد از دور اخیر مبارزات و اعتصاباتشان، بار دیگر به میدان می آیند. اخبار اعتراضی در این بخش و آن بخش صنعت نفت و مراکز وابسته به آن به سر تیتز های مهم اخبار اعتراضات کارگری تبدیل شده است. این اعتراضات فضای جنبش کارگری را نیز تغییر داده است. هم اکنون هزاران کارگر در مراکز مختلف نفت و موسسات وابسته به آن در جنب و جوش اعتراضی و در اعتصاب و مبارزه هستند. اعتراضاتی در چنین ابعاد تغییری کیفی در فضای اعتراضی جنبش کارگری و فضای سیاسی کل جامعه ایجاد کرده است. موقعیت امروز کارگران نفت و مبارزانشان، دستاوردهای اعتصاب بزرگ مرداد ماه نفتگران و درسها و تجارب این اعتراضات و موانع پیش روی آن برای برداشتن گام های بزرگتر به جلو، موضوع این نوشته است:

موقعیت امروز کارگران نفت بعد از اعتصاب بزرگ مرداد ماه

در ۱۱ مرداد ماه بود که ۲۵ هزار کارگر پیمانی در نفت و پتروشیمی ها و نیروگاهها در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی و نداشتن امنیت شغلی و پایین آمدن هر روز نابسامانی شرایط زیستی و معیشتی شان وارد اعتصاب شدند. اعتصابی که در بیش از چهارده حاکمیت رژیم اسلامی بیسابقه و نقطه عطفی در مبارزات خود این کارگران و جنبش کارگری بود. این اعتصاب در واقع عصیان کارگران پیمانی

کارگران نفت با گفتمانهایی چون در برابر کار برابر با کارگران رسمی باید از دستمزد و شرایط کاری و زیستی یکسانی برخوردار باشند، بطور واقعی ساختار صنعت نفت و قراردادهای پیمانی و بطریق اولی قوانین ویژه مناطق اقتصادی را به چالش کشیدند. و این گفتمان دیگر در سطح کارگران نفت محدود نماند و دامنه اش به بخش های دیگر کارگری که آنها نیز با همین نوع قراردادهای دست و پنجه نرم میکنند کشیده شد. این وجه مهم دیگر این اعتراضات بود.

اعتصاب مرداد ماه نفتگران با هشتک دفاع از حقوق کارگر آغاز شد و در ادامه اش کارگران با کارزار نه به کار موقت قدمی جلو تر گذاشتند و با اعلام خواستهای فوری خود و در اعتراض به پایین آمدن هر روز بیشتر سطح زندگی شان بر افزایش حقوقها تاکید کردند. این کارگران در رده های مختلف تخصصی شان با خواست افزایش حقوقها به بالای ده میلیون و دوازده میلیون تومان جلو آمدند و این خود جنبش برای خواست افزایش دستمزد ها را در جنبش کارگری و در ابعادی اجتماعی قدم مهمی به جلو برد و این نیز یک دستاورد دیگر این اعتصاب بزرگ کارگری بود.

و بالاخره اینک اعتصاب کارگران نفت در مرداد ماه گفتمان اعتصاب سراسری کارگری و ممکن بودن آن را با قدرت بیشتری به جلو برد و بر تحرک جنبش کارگری در ابعاد گسترده تری دامن زد. به این اعتبار اعتصاب مرداد ماه نفتگران توازن قوای سیاسی را به نفع اعتراضات کارگری و کل جامعه تغییر داد و نقطه عطف مهمی در مبارزات کارگران نفت و میشود گفت در کل جنبش کارگری بود. بویژه این اعتراضات را در متن شرایط پر جنب و جوش اعتراضات کارگری، در ادامه اعتصابات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و فضای پر تلاطم جامعه باید دید تا متوجه جایگاه سیاسی مهم آن بود. در برابر چنین اتفاق

سیاسی مهمی بود که حکومتیان و پیمانکاران دزد و مفتخور به تکاپو افتادند و با وعده و وعید دادن ها و گردن گذاشتن به بخشی از مطالبات کارگران سعی کردند هر طور شده اعتراضات را بخوابانند. از جمله شاهد برگزاری جلسه اضطراری دولت با پیمانکاران و افزایش سی درصدی سهم آنان جهت بازگذاشتن دستشان برای عقب نشینی بیشتر در مقابل کارگران و داغ شدن بازار وعده و وعید دادن ها و در کنار آن تهدید کارگران معترض به بازداشت و دستگیری بودیم. در چنین مقطعی از اعتراض بود که در ۲۲ شهریور ماه پایان اعتصاب کارگران اعلام شد. اما در همان مقطع خبرها از گسترش دامنه این اعتراضات به بخش های دیگر نفت حکایت میکرد.

با یادآوری اعتصابات مرداد ماه اکنون نگاهی به اعتصابات و اعتراضات امروز کارگران بیندازیم. اعتصابات و اعتراضات امروز در میان بخش های نفت را باید در تداوم تحولاتی که مختصرا اشاره کردم چه در نفت و در جنبش کارگری برآورد کرد و قدرت آن و جایگاه مهم سیاسی آنرا دریافت.

اعتصاب نفت و موانع بازدارنده

اعتصاب کارگران نفت صاعقه ای در آسمان بی ابر نبود. زمینه هایی داشت و قبل از بروز آن همه شواهد حاکی از در پیش بودن موجی از اعتراضات در میان نفتگران بود. در میان نفتگران بود. خصوصی سازی ها و در پشت پرده آن بساط دزدی و چپاول سرمایه داران مفتخور و حکومتیان که سر اصلی آن به سپاه پاسداران متصل بود،

زنده باد اعتصابات سراسری کارگران ۱۳/۱/۱۳۹۱



پیش بسوی اعتصابات سراسری! پیش بسوی ایجاد شوراها!



تنگناهای مالی صنعت نفت بدلیل تحریم ها و زدن بخشی از مزایای شغلی کارگران، قلداری های پیمانکاران و به راه افتادن موجی از اخراجها و بدتر شدن شرایط کاری کارگران و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان همه و همه سبب تحرکات اعتراضی وسیعی در میان کارگران نفت شده بود. نموده های آنرا در تجمعات اعتراضی بخش هایی از نفتگران در مقابل مجلس اسلامی در یکساله اخیر، تجمعات اعتراضی در بخشهای مختلف این صنعت و اعتراضی طومارهای کارگران برای پیگیری مطالباتشان میشد دید. در چنین فضایی از اعتراض بود که اعتصاب همزمان نفتگران در دهها مرکز نفت و پتروشیمی و چندین پالایشگاه و نیروگاه در ۱۱ مرداد ماه آغاز شد.

در این حرکت اعتراضی در حالیکه بنده هزاران نفره کارگران نفت اظهار شغف و شادی میکردند و همانند انسانهایی که زنجیرهای پایشان گسسته است به میدان آمدند، در خلاء و محرومیت از تشکل و ابزارهای اطلاع رسانی، از جمله نداشتن گروههای مستقل خود در مدبای اجتماعی، که نتیجه فضای خفقان و پادگانی ای است که سالهای سال در نفت حاکم بوده است، شاهد ظهور مدیریتی بودیم تحت عنوان "مدیریت گروه تلگرامی پاپینگ و اکیپ پروژه ای" که با دادن مقام سخنگویی به خود سعی داشتند کنترل اوضاع را بدست گیرند. مدیرانی که تحت عنوان ادمین و صاحب گروه به خود اجازه میدادند هر صدای مخالفی ادامه در صفحه ۸



میانا احدی: یک پوزه بند برای دهان محمد جواد لاریجانی!

در دنیایی که جنبش اسلامی برای قدرت گرفتن و تحمیل قوانین ضد انسانی خود، خون میریزد، این جناب برای دفاع از سر بریدن و خون ریختن، با وقاحت به لائیسنتیه حمله میکند و میخواهد به بقیه خط بدهد که کماکان در روزهایی که مردم شریف ایران و دنیا از قتل سبعانه یک معلم خشمگین هستند، کوتاه نیابند و سوراخ دعا را عامدانه گم کنند تا وقیحانه آماده حمله بعدی باشند.

برای ما این سناریو آشنا است و نفرت انگیز! در ایران یک تعداد میکشند و خون میریزند و چند نفری از جمله این جناب به اسم مسئول سازمان حقوق بشر اسلامی! توهین و بی ادبی میکنند و در توجیه سنگسار و اعدام و چشم در آوردن و دست بریدن سخترانی میکنند.

محمد جواد لاریجانی را خوب می شناسم، او از همان اولین روز سازمان دادن کمیته علیه اعدام و سنگسار هر بار که می دودیم کسی را از طناب دار و یا سنگسار شدن به دست این جنایتکاران نجات دهیم سر و کله اش پیدا میشد و از دهانش لجن می بارید و سعی میکرد توجیه کند و جنایت را لباس اسلامی بر تن کند و با اتکا به نسبیت فرهنگی و مماشات دولتهای اروپایی با این جنایتکاران حتی سنگسار را به افکار عمومی اروپا بفروشد! و

یک پوزه بند برای دهان محمد جواد لاریجانی!

میانا احدی



محمد جواد لاریجانی انتشار کاریکاتورهای محمد توسط هفته نامه فرانسوی "شارلی ابدو" و سربریده شدن ساموئل پتی، آموزگار فرانسوی را نتیجه ارزش های جمهوری فرانسه و دفاع امانوئل ماکرون از این ارزش ها دانسته و گفته است که آنچه به انتهای خط نزدیک شده نه اسلام، که لائیسنتیه یا "سکولاریزم غربی" است.

محمد جواد لاریجانی نوشته است: "هر دو حادثه اتفاق افتاده" یعنی انتشار کاریکاتورهای محمد توسط "شارلی ابدو" و "سربریدن داعشی" ساموئل پتی "دست پخت های همین سکولاریزم غربی است" که به گفته لاریجانی، "اقای ماکرون با حرارت از آن دفاع ایدئولوژیک می کنند." این نقش محمد جواد لاریجانی برای ما آشنا است. او سالها رئیس ستاد حقوق بشر فوه قضاییه حکومت نکبت اسلامی و

مردم از اسلام بعنوان دین مدافع ضدیت با زن، دین مخالف آزادی بیان و حقوق انسانی و دین مدافع قتل و سر بریدن و خون ریختن مواجه هستیم. نفرت می فهمید نه هراس و نه فقط در فرانسه بلکه در ایران و عراق و لبنان و همه جا. پس بهتر است خفقان بگیرید و ببینید که اوضاع در همه جا دارد به ضرر شما تغییر میکند و دیر نیست روزی که همه شما پای میز محاکمه کشانده شوید و دنیا به شما نشان دهد که در مقابل جنایت به اسم هر دین و نهادی و مذهبی، بشر متمدن می ایستد و دیگر نمیکندارد برای چاپیدن و فربه شدن و دزدی، بکشید و لجن پراکنی کنید. اتفاقا تعیین تکلیف بدین جنبش دارد در ایران اتفاق می افتد و اتفاقا دلیل اعتراضات مردم در ایران و کشورهای اسلام زده و بدلیل اعتراضات ما در دنیا است، که مردم دارند بیدار میشوند و دارند تکلیف خود را با شما و دوستان آدمکش شما در دنیا روشن میکنند، باشد تا صبح دولتتان بدمد!*

سران کشورهای اروپایی به این کثافت اسلامی دست دوستی میدادند و هر بار به وراچی های او در باره حقوق بشر اسلامی که از آن خون و جنایت میچکید گوش میدادند. الان در مقابل کمی تند می ماکرون در رابطه با آخوندهای مبلغ آدم کشی و مساجدی که ترور سازمان میدهند این یکی از آن گوشه دنیا صدایش بلند شده با همان ادبیات و وقاحت و پررویی آخوندی و اسلامی، میگوید اگر تروریست را بگیرید و یا اخراج کنید، به همکاری مسلمانان حمله میکنید و اسلام هراسی راه می اندازید.

این فرد متهم است و باید هر جا پایش را بگذارد دستگیر و محاکمه شود. محمد جواد لاریجانی مدعی است که لائیسنتیه به بن بست رسیده، خنجر جناب آنچه به بن بست رسیده حکومت شما، قوانین انسانکش و ضد انسانی شما و اخلاقیات و فرهنگ اسلامی است که ما امروز نه فقط با هراس مردم از اسلام، بلکه با انزجار و نفرت بحق این

جمهوری اسلامی نماینده

مردم ایران نیست، قاتل آنان است!

سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی ۴- بایکوت سیاسی و تسلیحاتی و ورزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی

۵- محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت در یک تریبونال بین المللی.

مردم ایران خواستار اقدامات زیر علیه حکومت اعدام و کشتار در ایران هستند:

- ۱- بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها
- ۲- قطع رابطه دیپلماتیک دولتها با جمهوری اسلامی
- ۳- اخراج جمهوری اسلامی از سازمان ملل و

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. قاتل آنها است. آنرا به رسمیت نشناسید!

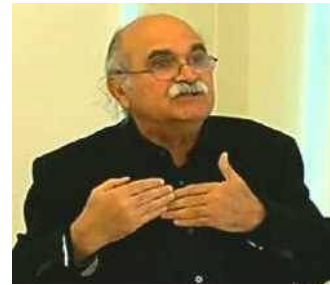
The Islamic Republic of Iran is not the representative, but the killer of the Iranian people! It must be politically boycotted by all governments and world organizations!

Navid Afkari was executed for protesting against the Islamic Republic

www.wpiran.org

احزاب سیاسی و چهره هائی نظیر شجریان

حمید تقوائی



نوشته من در مورد پیامدهای مرگ شجریان از جانب برخی از دوستان مورد نقد قرار گرفت. گفتند راست روی است، سازش با دوحرداد است، دفاع از شعار دوحرداری مرگ بر دیکتاتور و چهره های ملی-اسلامی است، و غیره.

قصد من در این نوشته پرداختن به یکایک این انتقادات نیست بلکه سعی میکنم بر متن بحثی که حول مرگ شجریان در گرفته تفاوت متدولوژی یک نیروی سیاسی و اجتماعی با نیروهائی که بیشتر به فرقه ها و سکت های فکری و ایدئولوژیک شبیه هستند را توضیح بدهم. تفاوتی که قبل از آن در برخورد به خیزش ۸۸، به شعار علیه مسیح علینژاد در دانشگاه، نقد چپ خط امامی، ارزیابی بیانیتهای چهارده نفره و غیره نیز شاهد بوده ایم.

سوال اینست که موضع گیری و عملکرد چهره هائی نظیر شجریان ناشی از چیست و چه تأثیری بر تحولات سیاسی-اجتماعی دارد؟

در همین چند ساله اخیر، از خیزش ۹۶ تا امروز، ما شاهد حرکتی خاصی از جانب افراد عادی و چهره ها و سلبریتی ها بوده ایم. ده ها هنرمندی که جشنواره دهه فجر را تحریم کردند، ده ها چهره ای که بیانیتهای ۱۴ نفره مبنی بر استعفای خامنه ای و گذار از کل رژیم را منتشر کردند، برخی از اعضای خانواده های قربانیان شلیک به هواپیما که به فعالین پیگیر ضد رژیم تبدیل شده اند، چهره هائی از دختران خیابان

انقلاب که امروز فعال سرشناس جنبش رهائی زن هستند و غیره؛ اینها همه نمونه هائی از شکل گیری یک موج اعتراضی در میان افراد و چهره ها و سلبریتی هائی است که تا قبل از خیزشهای اخیر نامشان جائی مطرح نبود. این را چطور باید توضیح داد؟

بسیاری از این افراد خود را چپ نمیدانند، برخی قبل از این تحولات به رژیم و یا اصلاح طلبان حکومتی متوهم بوده اند، برخی ممکن است هنوز هم گرایشهای مذهبی و ناسیونالیستی و ملی-اسلامی داشته باشند. همانطور که توده مردم درگیر در جنبش سرنگونی و جنبشهای اعتراضی دارای گرایشهای مختلفی هستند. اما این فاکتور درستی برای ارزیابی نقش و عملکرد واقعی آنها در تحولات اجتماعی نیست. دوستان منتقد ما در ارزیابی عملکرد افراد و چهره ها گذشته و یا تمایلات آنها به احزاب راست و ناسیونالیستی و ملی اسلامی را ملاک قرار میدهند. اما ملاک واقعی نه عقاید چهره های مخالف حکومت، بلکه نقش و جایگاه موضع و اقدام آنها علیه حکومت است. بگذار صد ها خواننده صدا و سیما را تحریم کنند و کلییشان با شعار مرگ بر دیکتاتور در میان مردم دست بدست بشود، بگذار هزاران هنرمند طومار امضا کنند و خواهان استعفای خامنه ای بشوند، بگذار همه هنرمندان هر ساله دهه فجر را تحریم کنند، بگذار هر دختر خیابان انقلاب به چهره فعال

جنبش علیه آپارتاید جنسی تبدیل بشود و هر روز هفته روز از سر برداشتن حجاب اعلام بشود، بگذار هر ورزشکار از شرکت در مسابقات سر باز بزند و هر چهره ورزشی و فرهنگی و هنری به جنبش لغو اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی بپیوندد. این به معنای تقویت افکار و نظرات سیاسی این افراد نیست، نشانه رشد و گسترش مبارزات و اعتراضات خیابانی علیه حکومت است. جامعه اول انقلاب فکری عقیدتی نمیکند و بعد انقلاب سیاسی. چهره ها و سلبریتی ها مستقل از گرایشهای عقیدتی ای که ممکن است به احزاب و نیروهای سیاسی مختلف باشند و یا نداشته باشند، تحت تأثیر جنبشهای اجتماعی و سرنگونی طلبی در میان توده مردم به مخالفت با حکومت برمیخیزند. و لذا با پیشرفت جنبش سرنگونی طلبانه نقد و اعتراض آنها نیز میتواند عمیق تر و ریشه ای تر بشود و عقاید و گرایش سیاسی آنان نیز بیشتر و بیشتر به سمت آزادیخواهی و برابری طلبی و آرمانهای انسانی سوق پیدا کند. این یعنی تفوق خیابان بر کردورهای لابی ایسم و سناریوهای ناسیونالیستی و ملی-اسلامی استحاله و رژیم چنج.

هر درجه پیشروی جنبش کارگری و گسترش اعتصابات، هر درجه پیشروی جنبش علیه اعدام و جنبش رهائی زن و جنبش دادخواهی و دانشجویی و غیره، هر درجه گسترش شعار مرگ بر دیکتاتور و نابود باد جمهوری اسلامی در جامعه، مستقل از تمایلات حزبی و سیستم فکری و اعتقادی فعالین آن، به نفع قدرت گیری و رشد اعتبار و نفوذ نیروها و احزاب انقلابی در جامعه و رهائی و آزادی واقعی توده مردم است. همانطور که هر درجه رشد چشم انداز رژیم چنج و کودتا و تغییرات از بالا در خدمت نیروهای راست و تغییرات از بالای



شعار مردم مقابل بیمارستان: دیکتاتور بمیرد شجر هرگز نمیرد

هر یک میلیونر دوری شان از رژیم را باید بفال نیک گرفت، برجسته کرد و تلاش کرد این فاصله هرچه بیشتر و عمیق تر بشود. راه رادیکالیزه کردن این افراد به رخ کشیدن گذشته شان و یا "افشای" شناسنامه ملی-مذهبی یا ناسیونالیستی آنها، یا نسبت داده شده به آنها، انهم درست در زمانی که به مخالفت علیه رژیم برخاسته اند نیست، بلکه نمایندگی کردن هر درجه تعرض و مخالفت آنان با حکومت و تعمیق این اختلاف و تعرض است. باید عقاید عقب مانده ناسیونالیستی و ملی اسلامی را پیگیرانه نقد و افشا کرد، اما در قبال چهره ها و سلبریتی های مخالف حکومت، همچنانکه در برخورد به توده مردم معترض، باید عمل آنها را ملاک قرار داد.

این شیوه یک نیروی سیاسی موثر و دخیل در تحولات هر روزه جامعه است. چپ به خود مشغول میتواند همچنان به هرکه با او نیست بتازد. اما نهایتاً نقشی فراتر از ناظر منفعل تحولات سیاسی و اجتماعی نخواهد داشت.*

سر مردم قرار میگردد. دوستان منتقد ما با دیدن هر اعتراضی توسط فعالین و سلبریتی هایی که از جنبش چپ شناخته نمیشوند، به فغان میایند و نگران میشوند و خود را مجبور میبینند چیزی علیه آنها بگویند. اما هر نیرو و حزب سیاسی ای که خود را رهبر جنبش سرنگونی بداند، و یا این ظرفیت را در خود ببیند که به رهبر جنبش سرنگونی و انقلاب مردم علیه حکومت تبدیل شود، از هر درجه اعتراض و نقد و اختلاف این افراد علیه حکومت استقبال میکند و آنرا در جهت تقویت جنبش و خیزشهای اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی میبیند. همه این نکات بیانگر آنست که معیار ما در برخورد به احزاب و شخصیت های سیاسی اپوزیسیون کاملاً از برخورد به افراد و چهره ها باید متفاوت باشد. دسته اول مدعی مبارزه با حکومت هستند و بر همین مبنا هر جا از این امر حتی یک میلیونر عدول کردند باید یقه شان را گرفت و نقد و افشایشان کرد ولی در مورد افراد و چهره های ادبی و هنری و ورزشی برعکس،

"مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است،

و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است." منصور حکمت



خبری از پرداخت بیمه بیکاری به میلیونها کارگر بیکار نیست!

محمد شکوهی



با گذشت بیش از ۸ ماه از شیوع و گسترش کرونا در کشور، اثرات و تبعات آن بر اقتصاد حکومت و کل جامعه روز بروز بیشتر نمایان میشود. جمهوری اسلامی با بی تفاوتی و بی عملی و عدم مقابله جدی با کرونا، این بیماری را تبدیل به یک بحران بزرگ اجتماعی کرده که اثرات و تبعات آن در همه گوشه و زوایای زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مردم قابل مشاهده می باشد. در این میان گسترش بیکارسازیهای ناشی از کرونا خود تبدیل به یک معضل بزرگتر اجتماعی شده که معیشت و زندگی میلیونها نفر در جامعه را با مخاطرات جدی روبرو کرده است. میلیونها نفر دیگر هر آن احتمال دارد به صف میلیونی بیکاران رانده شوند. شاخص فلاکت و گسترش فقر، سقوط قدرت خرید و سطح معیشت این جمعیت چند میلیونی به طرز وصف ناپذیری سیر صعودی به خود گرفته است.

در طول نزدیک به یک سال گذشته بر اساس گزارشات حکومتی بیش از یک میلیون نفر بیکار شده و نزدیک به ۵ میلیون شغل دیگرمتاثر از کرونا بوده است. جمهوری اسلامی بدنبال اعتراضات گسترده به بیکاری ناشی از کرونا وعده پرداخت "بیمه بیکاری دوره کرونا" را داد. اکنون بعد از گذشت بیش از هشت ماه، وزارت کار رژیم بیلان اولیه طرح پرداخت بیمه بیکاری دوران کرونا و آمار کل دریافت کنندگان بیمه بیکاری را اعلام کرده است.

مسعود بابایی مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری کار جمهوری اسلامی پیرامون موضوع پرداخت بیمه بیکاری گفته است: "قبل از کرونا ۲۴۰ هزار نفر در کل کشور بیمه بیکاری می گرفتند با شروع کرونا از اسفند ۹۸ تا اردیبهشت امسال، این تعداد به ۷۲۰ هزار نفر افزایش یافته. در این میان بیش از ۱۸۰ هزار نفر به دلایلی بیمه شان قطع شده است."

بر اساس این سخنان مقام وزارت کار رژیم تنها درصد بسیار کمی از کارگران بیکار شده بیمه بیکاری دوران کرونا شامل حالشان شده است. نگاهی به آمار و ارقام و اظهارات مقامات حکومت در مورد رشد بیکاری نشان می دهد که عملاً میلیونها بیکار بدون هیچ درآمدی مجبور به زندگی در شرایط بسیار اسفناک شده و رسماً به صف گرسنگان رانده شده اند. بیکاری در کنار کرونا دومین و بزرگترین معضل و مشکل جامعه ایران می باشد. مسئول این وضعیت جمهوری اسلامی و کل

سیاستهای ضد مردمی اش است. اما برگردیم به آمار و ارقام بیکاری اعلام شده از طرف حکومت.

* جهانگیری معاون اول روحانی گفته است: از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر که شغل خود را در کشور از دست داده اند، ۸۱۷ هزار نفر مربوط به بخش خدمات و ۳۴۶ هزار نفر مربوط به بخش کشاورزی است.

* سه هفته پیش مقامات اتاق بازرگانی و وزارت کار حکومت اعلام کردند که بیش از ۵ میلیون شغل متأثر از کرونا بوده و چشم انداز روشنی برای ادامه اشتغال وجود ندارد.

* مرکز پژوهشهای مجلس در تیرماه امسال پیش بینی کرده شیوع کرونا، تا آخر سال جاری بیکاری دو تا شش میلیون نفر را به دنبال خواهد داشت.

* آرش محبی نژاد دبیر انجمن قطعه سازان خودرو اوایل این هفته گفته است: از ۱۲۰۰ واحد قطعه ساز حدود ۴۰۰ واحد قطعه ساز در حالت نیمه تعطیل یا تعطیل به سر می برند. بیش از ۱۵۰ هزار نفر از شاغلان در حالت تعلیق به سر می برند.

اینها برخی اظهارات مقامات حکومت و نهادهايش در مورد افزایش بیکاری در هشت ماه گذشته می باشد. گزارش وزارت کار رژیم از آمار دریافت کنندگان بیمه بیکاری نشان می دهد که جمهوری اسلامی قصد پرداخت بیمه بیکاری به میلیونها کارگر را نداشته و ندارد. از جمعیت میلیونها نفری بیکاران فقط کمی بیشتر از ۷۰۰ هزار نفر شامل دریافت بیمه بیکاری شده اند که آن هم مدت زمانش محدود بوده و هر آن احتمال قطع شدنش می رود. بدین ترتیب حکومت پرداخت بیمه بیکاری که حق مسلم میلیونها کارگر می باشد را وظیفه خود



RNA

داندسته و از پرداخت آن رسماً خوددار میکند. جمهوری اسلامی با سیاست ضد کارگری و ضد انسانی عدم پرداخت بیمه بیکاری به میلیونها کارگر فاجعه کرونا یک تراژدی بسیار خطرناکتر، یعنی تهدید معیشت و جان و زندگی میلیونها بیکار را رقم زده و این جمعیت چند میلیونی را رسماً به امان خود رها کرده و کاری برایشان نمی کند. جان و زندگی یک نسل از کارگران با خانواده هایشان در خطر جدی قرار دارد.

در کنار تحمیل فقر و فلاکت بر کرده میلیونها کارگر بیکار شده و مردم زحمتکش؛ تضمین درآمدهای افسانه ای حکومت دزدان و قاچاقچیان و اختلاسگران ادامه دارد. دزدیهای باندهای حکومتی به طرق مختلف ادامه دارد و تازه دستشان بازتر هم شده است. رژیم سر کیسه را برای باندهای سرکوبگر و کل دم و دستگاه عریض و طویل و ماشین کشتارش شل کرده، هزینه های گسترش تسلیحات نظامی و هسته ای اش را تامین کرده

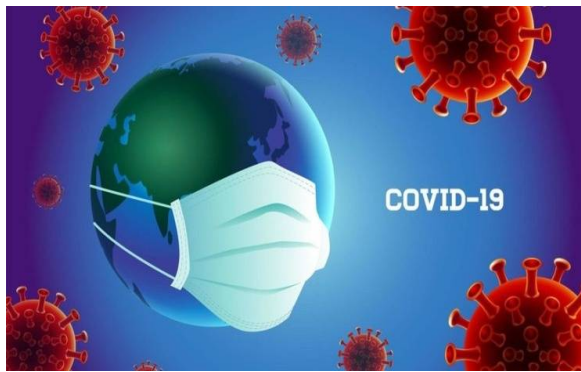
و کمبود پول و اعتبار برای هیچ طرح و کار مورد نظر رژیم وجود ندارد. تنها با یک رقم زدنیها و غارت های میلیارد دلاری باندهای حکومتی می توان به همه افراد بیکار کشور بیمه بیکاری پرداخت کرد. اما تامین زندگی کارگران و مردم هیچ موقع امر و فکر و ذکر حکومت دزدان و آدمکشان اسلامی سرمایه نبوده و نمی باشد. کارگران و مردم برای بدست آوردن کوچکترین خواسته هایشان باید هر روزه دست به اعتراض و مبارزه بر علیه حکومت بزنند. در برابر این سیاستهای ضد کارگری و ویران کننده جمهوری اسلامی در حق میلیونها کارگر بیکار که هست و نیستشان با نابودی روبرو بوده و مورد تعرض حکومت دزدان می باشند، باید متحدانه و سراسری به میدان آمد و با طرح خواست بیمه بیکاری مکی و فوری برای همه بیکاران و برخورداران از همه امکانات و مزایای دوران بیکاری، این مطالبات را به حکومت تحمیل کرد.*

WE STILL NEED MARX TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wpiran.org

کرونا و منشاء درماندگی بشر

میلااد رابعی



مطرح شد و زمینه نوشتن این مطلب است. من همیشه به پتانسیل انسان و تکامل نسبی علوم برای مقابله با چنین مشکلاتی باور داشتم. همیشه تصور می‌کردم بشر امروز با تمام ناتوانی‌هایی که در مقابل برخی بیماری‌ها مثل سرطان و غیره دارد، می‌تواند از پس این بحران برآید. پس چرا چنین نشد؟ آیا نرسیدن به درمانی قطعی، به دلیل عجز علم پزشکی و یا ماهیت پیچیده این بیماری است؟ می‌دانیم که چنین نیست. این ویروس فی‌نفسه جزء بیماری‌های لاعلاج نیست. خیلی خلاصه، نوعی آنفلانزا است که برای نمونه‌های بسیار مشابه آن، از پیش درمان‌هایی وجود دارد. در اینجا ایداً قصد و صلاحیت ورود به مسائل پزشکی را ندارم و تنها به بیان کلیات اثبات‌شده اکتفا می‌کنم. با این همه مشکل را کجا باید جست؟ جواب این سؤال پزشکی نیست، سیاسی است. در پی طرح مسئله واکسن، شرکت‌ها و کارتل‌های عظیم و چندملیتی داروسازی به امید کسب سودهای کلان هرکدام جداگانه به تحقیق و آزمایش واکسن کرونا پرداختند. در ماه‌های اخیر تقریباً هر هفته یک شرکت مدعی تحقیق روی واکسن شده، هر روز اخبار پیشرفت کارشان را می‌شنویم، از طرف دیگر خبر توقف موقت تحقیقات به دلیل عدم موفقیت واکسن در عمل هم کم به گوشمان نمی‌خورد. رقابت بر سر تولید واکسن شبیه به مسابقه تسلیحاتی بین بلوک‌های

گرفت. اقتصاد جهانی وسیعاً از این جهت ضربه خورد. بشریت شرایطی شبه آخرالزمانی را تجربه کرد. سیاست و ورزش و آموزش و خلاصه تمامی ارکان جامعه بشری از گزند این ویروس در امان نماند. بسیاری از پزشکان در ماه‌های اخیر از دهه کرونا صحبت می‌کنند و اشاره می‌کنند که در بهترین حالت دهه بیست قرن بیست و یکم تماماً درگیر این بیماری خواهد بود.

همه پزشکان متخصص متفقاً پایان روشنی برای این بیماری و این وضعیت قائل نیستند مشروط به این‌که واکسن با دارویی قطعی برای آن یافت شود. به نظر می‌رسد این تنها امید بشریت برای خلاصی از این شرایط است. اما نکته این‌جا است که آیا به راستی علم و دست‌آوردهای بشری در زمینه پزشکی تا این حد عقب مانده و رشد نیافته است که در عرض نزدیک به یک سال نتوانسته به این درمان قطعی دست یابد؟ راستش این سؤالی است که برای خود من هم بارها

کرونا می‌رود تا یکساله شود. سال گذشته و در آخرین هفته‌های آن مقامات چین رسماً از شیوع این بیماری خبر دادند، هرچند که اولین نمونه‌ها مربوط به ماه‌ها قبل از آن می‌شد. از آن زمان تا به امروز بشریت اتفاقات و تجربیات عجیبی را تجربه کرده است. با توجه به میزان رشد ارتباطات جهانی در دنیای امروز و مشخصات خاص این بیماری، کرونا به سرعت به یک پاندمی تبدیل شد و تا کنون ۲۱۹ کشور را درگیر خود کرده است. در هفته‌های اولیه سرتیتر تمام رسانه‌های جهان اخبار این ویروس و جوانب مختلف آن بود. اطلاعات ضدونقیضی در این باره مخابره می‌شد. شاهد یک موج پانیک و وحشت عمومی بودیم. سبک زندگی بشر تحت تأثیر این بیماری فرار گرفت. قرنطینه‌های اجباری و اختیاری شکل گرفت. فاصله‌گذاری اجتماعی مطرح شد. روابط اجتماعی دست‌خوش تغییر قرار

ترین پزشکان متخصص در این زمینه فارغ از ملیت و شرکت‌های ریز و درشت داروسازی، در سطح بین‌المللی دور هم جمع می‌شدند و به‌جای اتخاذ شدیدترین تدابیر امنیتی برای لو نرفتن تحقیقات خود، نتیجه این تحقیقات را آزادانه به اشتراک می‌گذاشتند و با تشریح مساعی و هم‌افزایی به تحقیقات خود ادامه می‌دادند، آن‌گاه می‌شد ثابت کرد که بشر امروز با همین میزان از علم و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون پزشکی می‌تواند از پس این ویروس برآید. متأسفانه این تنها موردی نیست که مناسبات رقابت‌آمیز تولید سرمایه‌داری مانع از رشد علوم و فنون بشری و اثبات میزان پیشرفت‌های کنونی می‌شود. مصائب جامعه بشری مدت‌ها است که در عقب‌مانده سیستم سرمایه‌داری ضرب می‌شود. با این اوصاف باید با کسانی که پایان نزدیکی برای این بیماری متصور نیستند موافق بود.*

مختلف سرمایه‌داری شده است. هفته گذشته خبرگزاری اسپوتنیک ادعا کرد روسیه سومین واکسن را هم با موفقیت تولید کرد. آمریکا و اروپا و چین هم هر کدام به نوبه خود بارها این ادعا را تکرار کرده‌اند اما تا این لحظه حتی یک واکسن یا داروی قطعی برای کرونا ساخته نشده است. در دهه‌های اخیر صنعت عظیم داروسازی در سطح جهان تبدیل به یکی از پرسودترین عرصه‌های سرمایه‌گذاری و کسب سود شده است. موضوع این سرمایه‌گذاری و رقابت کثیف، بی‌واسطه جان میلیاردها انسان است. سرمایه‌داری همیشه سعی کرده عامل رقابت را در تولید و بازار محرک اصلی پیشرفت و ترقی علم و موجب شکوفایی استعدادها معرفی کند. اما مورد اخیر بار دیگر پوچی این ادعا را ثابت می‌کند. اگر در زمینه تولید واکسن و داروی کرونا عنصر رقابت و کسب سود حداکثری نبود، چه‌بسا تاکنون بیماری کووید-۱۹ درمان شده بود. اگر خبره ترین و برجسته

استعفای دسته‌جمعی اعضای

هیات دوچرخه‌سواری ارومیه

بدلیل جلوگیری از ورود زنان به ورزشگاهها برای دوچرخه سواری توسط اداره کل ورزش استان ارومیه، اعضای هیأت دوچرخه‌سواری شهرستان ارومیه با صدور نامه‌ای سرگشاده به رئیس هیات دوچرخه‌سواری استان، دسته جمعی از سمت‌های خود استعفا دادند. اقدام اعضای هیات دوچرخه سواری ارومیه در مقابل حکومت آپارتاید جنسی و

اقدامات زن ستیزانه آن بسیار قابل توجه است. از کلیه دست اندرکاران ورزش اعم از ورزشکاران یا اعضای هیات های ورزشی و مربیان و داوران و ... انتظار می‌رود در سراسر کشور دست به اقدامات مشابهی بزنند همسو با فشارهایی که در سطح جهان علیه حضور جمهوری اسلامی در ورزش بین المللی شروع شده است حلقه فشار به این حکومت را تنگ تر کنند .



حکومتی که نیمی از جامعه را از هر حقی حتی تماشای یک مسابقه ورزشی محروم میکند باید در سطح جهان از نظر سیاسی، ورزشی، هنری و تسلیحاتی بایکوت شود و از همه مجامع بین المللی بیرون انداخته شود. این قدم مهمی در راستای سرنگونی حکومت آپارتاید جمهوری اسلامی است.*

**##آپارتاید جنسی
##حکومت ضدزن
نمی‌خوایم**

از مدیای اجتماعی حزب

اعتصاب مرداد نفتگران ضربه ای به دژ ...

را از گروهشان طرد کرده و با آموختن از سیستم امنیتی حاکم در نفت مخالفان را در لیست سپاه خود قرار دهند. مدیریت که همه تلاشش در جهت کنترل دامنه این اعتراضات و خفه کردن آن در چهارچوب وضع موجود بود. در راستای این سیاست همه تاکیدشان بر روی ترک محیط کار به نشانه اعتصاب و رفتن به خانه ها بود. هر جا که حرفی از تجمع میشد تحت عنوان امنیت بشدت با آن مقابله میکردند و پیشنهاد دهندگان را "اعتصاب شکن و خائن" خوانده و آنها را از گروهشان بیرون میکردند. سیاستی که عملاً مانع اجتماعی شدن اعتراض میشد. و اخبار فیلتر شده خود را به عنوان اخبار اعتصاب انتشار میدادند. اما علیرغم این تلاش اخبار اعتراض مدیای اجتماعی را فرا گرفت و همبستگی های زیادی را با خود در ایران و در سطح جهان همراه کرد. از سوی دیگر با ارسال نامه به نیابت از کارگران به خامنه ای و نهادهای مختلف حکومتی تلاش کردند که اعتراض کارگران را به مجاری قانونی بکشانند و سر و ته آنرا هم بیآورند. تحت عنوان اینکه هیچگونه سمت و سویی به شبکه های "معاند و ضد انقلاب و خیانتکار به نظام مقدس اسلامی در خارج از

کشور" نداشته و ندارند و اینکه همه کارگران "دوستدار نظام اسلامی" بوده و صرفاً بر حق مسلم خود تاکید میکنند، وفاداری و اردات خود را به جمهوری اسلامی اعلام کردند. و با نام بردن از نظام "مقدس اسلامی" نیروهای چپ و معترض را تحت عنوان "شبهه های خارجی" محکوم کردند و خود را بدست سربازان مخلص " نظام و رهبر" خواندند. این گفته ها در واقع همان بیان و زبان وابستگان حکومتی و از نوع همان اظهاراتی است که بارها از زبان خود حکومتیان طرح شده است و اکنون به نام کارگر داشت بیان میشد. از سوی دیگر درست در مقطع اوج اعتراضات کارگران نفت و عقب نشینی های حکومتیان و صاحبان کار، سعی کردند اعتراض کارگران بر سر افزایش دستمزد را از شکل سراسری خارج کرده و به تصمیم گیری و مذاکره گروهی و انفرادی در این واحد و آن واحد سوق دهند و با هیاهو راه انداختن ها بر سر اینکه اینجا و آنجا پیمانکاران چه عقب نشینی هایی کرده اند، سر و ته اعتصاب را هم بیآورند. حتی اخبار اعتصاب را به اعتراضات کارگران پیمانی پایبند و متخصص محدود کردند تا مبادا دامنه اعتصاب به بخش وسیع کارگران قراردادی نفت که

با دستمزدهای چند بار زیر خط فقر دست و پنجه نرم میکنند و همواره چماق بیکاری و اخراج بر روی سرشان قرار دارد، کشیده شود. سرانجام نیز یکبار به بحث پایان اعتصاب را به میان کشیدند.

اما روشن است کارگری که چنین به عصیان برخاسته است به موقعیت سابق بر نخواهد گشت و نمیتوان اعتراضش را در چهارچوب نظام جهانی موجود و قانون کار ارتجاعی جمهوری اسلامی خفه کرد. تلاشهایی از این دست بیش از پیش باعث منزوی شدن چنین جریانات راست و سازشکار خواهد شد از همین رو علیرغم اینگونه تشبیهات تا مدتی خبرها از ادامه اعتراض در

پارس جنوبی و برخی پالایشگاهها مثل آبادان و مراکز نفتی دیگری در ایلام و ماهشهر حکایت میکرد و همانموقع کارگران اعلام کردند که خواست آنها فقط افزایش مزد نیست، بلکه بر دانهی شدن قراردادهای و خلع ید از پیمانکاران تاکید کردند. بر بالا بردن استانداردهای بهداشتی و زیستی محیط کار و خوابگاههایشان تاکید کردند. بر توقف اخراج ها و خصوصی سازی ها که پشت آن بساط چپاول و زردی حاکم است، تاکید کردند و بر اجرای پروتکل های بهداشتی مقابل با کرونا تاکید کردند. و امروز با خلف وعده های داده شده شاهد به میدان آمدن دوباره کارگران نفت و اعتراضاتشان هستیم.

این چنین است که در اعتراضات کارگران نفت جدال گرایشات را به روشنی میشد دید. از یکسو گرایشات راست که نقش ترمز مبارزات را بازی کردند و از سوی دیگر گرایش رادیکال و معترض کارگری که با اعتصابش جلو آمد و چنین ولوله ای را در درون حکومتیان و گرایشات راست و سازشکار بر پا کرد. و زیر فشار اعتصاب کارگران بود که در جاهایی دستمزدهای پرداخت نشده در کارگران پرداخت شد. در جاهایی مبالغی بر مزد آنان اضافه شد و وعده و وعده های وعده های نیز برای پاسخگویی به دیگر خواستهای کارگران داده شد

موقعیت سابق بازگرداند. نمیتوان این اعتراضات را در چهارچوب نظام موجود و قانون کار ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی خفه کرد. تا همین جا اعتصاب نفت پیشرویهایی بزرگی داشته است و این پیشروی ها سکوی پرشی برای به میدان آمدن سراسری کارگران نفت در تمام بخش هاست.

امروز در نفت چه میگذرد

اعتراضات در واحدهای متعدد نفت و پتروشیمی به نحو گسترده ای همچنان ادامه دارد. کارگران نفت امروز پیگیر مطالباتی هستند که در اعتصاب سراسری و قدرتمند مرداد ماه خود در بیش از ۵۰ مرکز نفتی بخاطر آنها صدای اعتراضشان را بلند کردند و علیرغم وعده و وعید های داده شده، با گذشت بیش از ۴۰ روز پاسخی نگرفته اند. سرنیزتهایی از اعتراضات دو هفته اخیر این کارگران عبارتند از: رسانه ای شدن خبر اعتراض کارگران پتروشیمی اردبیل به تعویق پرداخت هفت ماه مزد خود در سی ام مهر ماه، آغاز کارزار اعتراضی کارکنان شاغل در شرکتهای نفتی جنوب از جمله در شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب، شرکت ملی حفاری ایران، شرکت نفت و گاز اروندان از سی ام مهرماه و طومار اعتراضی آنان خطاب به روسای قوه های مجریه و مقننه با خواست کاهش مالیات کارمندان شاغل در صنعت نفت جنوب، تجمع اعتراضی کارگران قرارداد موقت نفت در ۲۹ مهر با خواست تبدیل قراردادهای به قرارداد مدت معین و مستقیم با وزارت نفت و رفع تبعیض ها، چندین روز اعتصاب دو هزار کارگر پالایشگاه پارسین لامرد در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه مزد و برای پیگیری دیگر مطالبات خود، اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در بیست و هشتم مهرماه، تجمع بازنشستگان نفت اصفهان در همین روز در اعتراض

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: ۰۰۹۲۴۳۵۵۶۲۴۴۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran





داعش تا حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی دهها سال است با شعار الله اکبر سر میبرند، مخالفان را با شمشیر گردن میزنند، بدار میکشند، مورد تجاوز قرار میدهند، شکنجه میکنند، که زبان مردم را ببرند و مردم را به سکوت بشکافند تا زنده بمانند. جنبش اسلامی تحمل ذره ای آزادی بیان ندارد چون سابقه سیاهی دارد.

یک نقطه روشن در پرونده این جنبش نیست که قابل دفاع باشد. با جنایت و سرکوب و دشمنی با آزادی بیان و اعتراض و با دشمنی به زنان متولد شده و با جنایات عظیم خود به حیاتش ادامه میدهد و فقر و تباهی و بیحقوقی کاملی را به مردم تحمیل کرده است. مردم فرانسه و مردم سایر کشورهای اروپایی قربانی سازش بورژوازی حاکم با اسلام سیاسی و دولت های اسلامی هستند.

دول غربی نه تنها به شکل گیری جنبش اسلام سیاسی از جمله در ایران کمک کردند بلکه در خود کشورهای غربی نیز در مقابل اسلامی ها کرنش کردند، به آنها پر و بال دادند و ارزش های سکولار و آزادی بیان را که حاصل

از الله اکبر خون میچکد

اصغر کریمی



ساموئل پتی ۴۷ ساله معلم تاریخ و جغرافیا بود و از اوایل اکتبر کلاسی را با موضوع آزادی بیان شروع کرده بود. در تظاهرات امروز پلاکاردهایی با عبارت «منهم یک معلم هستم. ساموئل به تو فکر میکنم» و پلاکاردهای دیگری با مضامین مشابه دیده میشود. تظاهرات امروز مردم فرانسه پاسخ مناسبی نه تنها به این جنایت که به کل جنبش اسلام سیاسی بود که بدلیل واپسگرا بودن، عقب مانده بودن، جنایتکارانه بودن، و قابل دفاع نبودن باید آزادی بیان را سر ببرد که بتواند به حیاتش ادامه دهد.

مردم ایران و عراق و افغانستان و ... دهها سال است با این پدیده بخوبی آشنا هستند. از طالبان و

مردم فرانسه علیه جنایت اسلامیت ها و در دفاع از آزادی بیان و ارزشهای سکولار دست به تظاهرات زدند.

روز یکشنبه ۱۸ اکتبر (۲۷ مهر) هزاران نفر در شهرهای پاریس، لیل، نانت، تولوز، استراسبورگ، ماریسی و پوردو در فرانسه به خیابان آمدند تا انزجار خود را علیه جنایت اخیر اسلامی ها در فرانسه نشان بدهند.

دو روز قبل در روز پنجشنبه ۱۶ اکتبر معلم تاریخ یکی از مدارس فرانسه که کاریکاتورهایی از محمد را به دانش آموزان نشان داده بود توسط یک اسلامیت که به شیوه همه تروریست های اسلامی الله اکبر میگفت به قتل رسید.

ماشیات با دولت ها و جریانات اسلامی را محکوم کنند، و همبستگی خود را با مبارزات آزادیخواهان مردم ایران و عراق و افغانستان و فلسطین و لبنان و سوریه و ... که برای به زیر کشیدن دولت های اسلامی قهرمانانه بپا خاسته اند، ابراز کنند.

همینطور جا دارد که تشکل ها و نهادهای مردمی و فعالین سیاسی در ایران جنایت اسلامی ها در فرانسه را محکوم کنند و همبستگی شان را با تظاهرات مردم فرانسه بیان کنند.*

انقلابات و مبارزات آزادیخواهان مردم در قرن های اخیر بوده، قربانی کردند. تظاهرات مردم فرانسه پاسخی به کرنش دهها ساله دولت فرانسه در مقابل اسلامی ها نیز بود. جا دارد که مردم در سراسر جهان همراه با مردم فرانسه به میان بیابند، جنبش کثیف اسلامی را محکوم کنند، از ارزش های جهانشمول آزادی بیان و عقیده، از سکولاریسم و جدایی کامل مذهب از دولت، و از حقوق زنان و کودکان در سراسر جهان دفاع کنند، هر گونه

صندلی ردیف اول این جنایت است که مدام اوپاش خود را علیه زنان تحریک میکند. تک تک این جنایتکاران را مردم با سرنگونی حکومت منحوس اسلامی به دادگاه خواهند کشاند. مردم نه میبخشند نه فراموش میکنند.*

#دوچرخه سواری زنان - ستنه به زن - ستیزی

از مدیای اجتماعی حزب



دستگیری زن دوچرخه سوار یک روز بعد از دوچرخه سواری

فیلمبردار و منتشر کننده ویدئوی دوچرخه سواری این زن نیز شناسایی و بازداشت شدند.

این در حالی است که بعد از گذشت ۶ سال از اسیدپاشی های زنجیره ای در اصفهان، هنوز عوامل اسیدپاشی شناسایی! و دستگیر نشده اند.

البته عوامل اسیدپاشی توسط مردم شناسایی شده اند. امام جمعه اصفهان در

دستگیر نشدن عوامل اسیدپاشی زنجیره ای به زنان، پس از گذشت ۶ سال

دو روز پیش ویدئویی در شبکه های اجتماعی منتشر شد که زنی را بدون حجاب، سوار بر دوچرخه در خیابان های نجف آباد اصفهان نشان می داد. یک روز پس از آن، فرماندار نجف آباد از بازداشت این زن خبر داد و گفت

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 7/8



اول محاکمه

اول محاکمه

اول محاکمه بعد مذاکره
این سانحه نبود. جنایت علیه بشریت بود.
فراموش نمیکنیم.
این گزارشات دروغ است.
به مقام های جمهوری اسلامی اعتماد نداریم.
حسین سلامی باید الان در زندان باشد.

خواست و اعتراض همه مردم به جان آمده را در این تجمع با صدای بلند اعلام کردند.
حکومتی که ۴۱ سال است علیه مردم، جنایت میکند و حتی سرنشینان بیگناه یک هواپیما را عامدانه به موشک میبندد قابل مذاکره نیست. باید سرنگون شود و سران آن به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.
از فرماندهان سپاه و خامنه ای و روحانی که تصمیم به این جنایت گرفتند تا فرمانده یا فرماندهانی که شلیک کردند، مقاماتی که سه روز دروغ سر هم کردند تا جنایت را لاپوشانی کنند، مقاماتی که خانواده های جانباخته را مورد تهدید و

اینها فریاد تعدادی از خانواده های جانباخته پرواز ۷۵۲ اوکراین بود که روز ۲۹ مهر در مقابل یکی از دفاتر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در تهران همزمان با مذاکره هیئت های دولت اوکراین و جمهوری اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی دیگر از تجمع کنندگان به محسن بهاروند از مقامات وزارت امور خارجه رژیم که جانباختگان را به شیوه اسلامی، شهید خطاب کرد اعتراض کرد و یکی دیگر گفت اگر صدقاتی در کار بود سلامی فرمانده سپاه باید الان در زندان میبود. و بدینترتیب خانواده های قربانیان پرواز اوکراین

فراموش میکنند. نه این جنایت و نه هیچ جنایت دیگر حکومت قابل فراموشی نیست. تنها سرنگونی حکومت اسلامی و محاکمه سران آن است که مرهمی بر زخم های بیشمار جامعه خواهد بود.*

**حزب کمونیست
کارگری ایران
۳۰ مهر ۱۳۹۹
۲۱ اکتبر ۲۰۲۰**

جامع بین المللی باید بیرون انداخته شود. اینها خواست های قلبی همه مردم به جان آمده است و باید به گفتن و خواست های صریح و علنی مردم و همه تشکل ها و نهادها و چهره ها و شخصیت های مردمی تبدیل شود و همراه با تشدید مبارزه برای سرنگونی این حکومت، فشارهای سیاسی در سطح جهان نیز گسترش یابد. مردم نه میبخشند نه

اذیت و آزار قرار دادند، زندانیانی که خانواده های جانباخته را به تجاوز جنسی تهدید کردند و هر مقامی که به نوعی دستی در این جنایت هولناک داشته است، باید به جامعه معرفی شوند و تک تک محاکمه شوند.
در سطح بین المللی نیز حکومتی که دست به چنین جنایت بیسابقه ای زده و ۴۱ سال است بی وقفه جنایت میکند نباید برسمیت شناخته شود و از کلیه

نازل حقوقها، دیرکرد پرداخت دستمزدها و حق بیمه، عدم رعایت پروتوکولهای بهداشتی برای مقابله با بیماری مهلک کرونا، قراردادهای موقت کاری و به حساب نیامدن کار آنها در شمار کارهای سخت و زیان آور از جمله موضوعات مورد اعتراض این کارگران است.
اعتراضات گسترده در میان کارگران شهرداری بستر مناسبی برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری در میان این کارگران و ایجاد شورای هماهنگی اعتصابااتشان است.

تجمع کارگران قرارداد موقت نفت مقابل مجلس و دو خبر دیگر
- روز ۲۹ مهر کارگران قرارداد موقت وزارت نفت با خواست تبدیل وضعیت قرار دادها به قرارداد مدت معین، رفع تبعیضها بین نیروها و همسان سازی حقوقی با نیروی رسمی وزارت نفت مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. این کارگران بارها ادامه در صفحه ۱۱

اخراجها و پرداخت بدهی های کارخانه و اینکه اجازه تعطیلی کارخانه را نخواهند داد، تلاش کردند فضا را آرام کنند.
- روز ۳۰ مهر، کارگران خدمات شهری شهرداری سورسجانی در استان چهارمحال و بختیاری خبر اعتراض خود را به سطح نازل حقوقها، عدم پرداخت ب موقع آن و نیز شرایط کاری نامناسب، رسانه ای کردند. به گفته کارگران از آغاز سال تا کنون در اعتراض به این زورگویی ها ماهی یکبار تجمع داشته و هر بار وعده و وعید به آنها داده شده و عملی هم صورت نگرفته است. در روز ۲۹ مهر ماه نیز کارگران شهرداری لردگان خبر تجمع اعتراضی خود را به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و حق بیمه و عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در چارچوب مقابله با بیماری کووید ۱۹ رسانه ای کردند.
اعتراضات کارگران شهرداریها در شهرهای مختلفی جریان دارد. سطح

اعتصابشان، بدنبال پرداخت دو میلیون تومان مساعده و وعده تسویه بخشی دیگر از دستمزد پرداخت نشده خود در روزهای آینده، به اعتصابشان خاتمه دادند.
این کارگران ۵ ماه دستمزد طلب دارند و اعتراض آنان به تعویق دستمزدها و پرداخت قطره شهرداری است. کارگران شهرداری سریش آبان اعلام کرده اند که اگر وعده ها عملی نشود اعتصاب را ادامه خواهند داد.
- روز ۲۹ مهر ۵۰۰ کارگر کارخانه کیان تایر در پی اعلام ورشکستگی شرکت و نگرانی برای از دست دادن شغل خود تجمع کردند. در این روز و در هراس از بلند شدن دوباره صدای اعتراضات این کارگران مسعود مرسلپور فرماندار و رضا کمیلی مقدم رئیس دادگستری اسلامشهر در جمع کارگران حاضر شدند. آنها با وعده پرداخت حقوق و مزایای کارگران، تامین مواد اولیه فعالیت این مجموعه، جلوگیری از

تلخیصی از اطلاعیه های خبری حزب (۵ اطلاعیه)

مستقر در مناطق نفتخیز جنوب (نفت و حفاری) خواستار اصلاح وضعیت کسر مالیات از حقوق هستیم، زیرا عملاً با اعمال این شکل از کسر مالیات حقوق دریافتی ما با سال گذشته تفاوت چندانی نمی کند و موجبات نارضایتی بخش اعظمی از نیروها را فراهم آورده است.

- روز ۳۰ مهر کارکنان مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ مخابرات شیراز در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی بخاطر شیوه جدید عقد قراردادهای و شرایط کاری نامناسب دست به اعتصاب زده و برای دومین بار مقابل استانداری فارس تجمع کردند. در این بخش ۳۱۴ نفر به کار اشتغال دارند.

- روز ۲۹ مهر کارگران شهرداری سریش آبان در اوایل دومین هفته

اعتراضات کارگران پتروشیمی، کیان تایر، مخابرات و شهرداریها

- روز ۳۰ مهر جمعی از کارگران پتروشیمی اردبیل اعتراض خود را به هفت ماه دستمزد پرداخت نشده رسانه ای کردند.

- جمعی از کارکنان شاغل در شرکتهای نفتی جنوب از جمله در شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب، شرکت ملی حفاری ایران، و شرکت نفت و گاز اروندان با نوشتن طوماری اعتراضی خطاب به روسای قوه های مجریه و مقننه خواستار کاهش مالیات کارمندان شاغل در صنعت نفت جنوب شدند.

این طومار شروع یک کارزار است که از ۳۰ مهر آغاز شده و تا پایان ماه بهمن ادامه خواهد داشت. در بخشی از این طومار چنین آمده است: "ما پرسنل مجموعه وزارت نفت

تلیخیصی از اطلاعاتی های خبری ...

بر خلع ید از پیمانکاران و لغو قرار دادهای موقت و داشتن قراردادهای مستقیم با نفت تاکید کرده اند. اعتراض این کارگران ادامه دارد. اعتراضات در میان کارگران نفت و مراکز وابسته به آن گسترش می یابد.

- روز ۳۰ مهرماه حدود ۳۰۰ تن از کارگران شرکت ابفای اهواز، در اعتراض به اجرائی نشدن ابلاغیه تغییر وضعیت شغلی آنها در مقابل ساختمان این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتراض آنان به قرارداد برده وار موقت کاری و تعویق دائم پرداخت دستمزدها و نداشتن امنیت شغلی است.

- روز ۲۹ مهر رانندگان تانکر داران بیرجند در اعتراض به پایین بودن کرایه ها و پایین آمدن هر روزه قدرت خرید خود در یک اعتراض هماهنگ در بندر امام، اصفهان و سیمان همدان دست به اعتصاب زدند. رانندگان کامیون نیز در این هفته در رابطه با همین مشکلات در چرمهین اصفهان، پایانه اکیرآباد تهران، پایانه اراک، دست از کار کشیدند. گران شدن لاستیک، قیمت نجومی لوازم یدکی کامیون و فشار تانکر، در آمد اندک و فشار سنگین اقتصادی و نامنی جاده ها، وجود مافیای حمل و نقل و وضع نابسامان کاری موضوعات مهم اعتراضی آنهاست. این اعتراضات ادامه دارد.

کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالباتشان هستند

جدال کارگران نیشکر هفت تپه بر سر خواستها و مطالباتشان ادامه دارد. علیرغم وعده های داده شده، هنوز بسیاری از خواستهای کارگران پاسخ نگرفته است. از جمله بعد از تجمع و اعتصاب دوباره این کارگران در بخش کشت و در کارخانه فقط مزد پایه مهر ماه این کارگران پرداخت شده است. همچنین قرار بود کارگران اخراجی به سر کار بازگردانده شوند که

هنوز این وعده هم عملی نشده است.

بعلاوه وعده داده بودند که ۵۰ نفر از مدیران و ایادی بازنشسته اسد بیگی که به کار بازگشته اند برکنار شوند.

یک خواست دیگر کارگران نیشکر هفت تپه بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سه همکار اخراجی دیگرشان است که در سال ۹۷ بازداشت شدند و زیر فشار اعتراضات کارگران آزاد و پرونده آنها بسته شد. اما این کارگران سر کار برنگشته اند و از جمله اسماعیل بخشی چندین ماه است که حقوقی نگرفته است. به گفته کارگران اسماعیل بخشی هنگامیکه در زندان بود هنوز قراردادش تمام نشده بود و کارفرما حق قطع حقوق او را نداشته است. اکنون کارگران خواستار بازگشت بکار بخشی و پرداخت دستمزدهای

پرداخت نشده او هستند. و اما مساله آخر، موضوع خلع ید از اسد بیگی و باند مافیایی او از نیشکر هفت تپه است. زیر فشار اعتراضات کارگران و براساس مصوبه جلسه کمیته بررسی مشکلات کارخانه نیشکر هفت تپه، مقرر شده است که تا پایان آبان ماه، مالک فعلی خلع ید شود. کارگران منتظر اجرائی شدن این وعده ها بوده و اعلام کرده اند که هیچگونه خصوصی سازی ای را نمی پذیرند و خواستار گسیل یک نفر از سوی دولت و اداره شرکت تحت نظارت و مشورت خود هستند.

کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت اتحاد خود عقب نشینی هایی را به حکومت تحمیل کرده اند و در مقابل دسیسه های دارو دسته اسدیبگی و مقامات دست اندر کار ایستاده اند و پیگیر مطالباتشان هستند. هفت تپه یک الگوی درخشان از اعتراض متحد کارگری به قدرت تصمیم گیری شورایی است و از درسهای آن باید آموخت.

پیش بسوی ایجاد شوراهای

ادامه
کارگران پتروشیمی رازی و تجمع بازنشستگان نفت اصفهان

روز ۲۸ مهر بیش از ۳۵۰ کارگر پتروشیمی رازی در ماهشهر در اعتراض به عدم اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت نکردن مزایای شغلی و نیز احضارها و ایجاد فضای امنیتی در شرکت به اعتراضاتشان ادامه داده و با شعار مدیر بی کفایت نمیخواهیم، نمیخواهیم در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع کردند. اعتراضات این کارگران در هفته قبل آغاز شد و روز چهارشنبه ۲۳ مهر نیز تجمع داشتند. کارگران پتروشیمی رازی از جمله کارگران معترض در اعتصاب فنگران در مرداد ماه بودند که با خواستهای افزایش حقوق ها و اجرائی طرح طبقه بندی مشاغل، دائمی شدن استخدامهای پیمانی و بهبود شرایط کاری و معیشتی شان وارد اعتصاب شدند و با وعده های مدیریت موقتا به اعتصاب خود خاتمه دادند.

تجمع بازنشستگان نفت اصفهان

- روز ۲۸ مهر بازنشستگان نفت اصفهان علیرغم شرایط خطرناک کرونایی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و وضع ناهنجار صندوق بازنشستگی و ابطال اساسنامه آن مقابل صندوق بازنشستگی نفت در این شهر تجمع کرده و نسبت به سقوط هر روزه سطح معیشتی خود هشدار دادند. این کارگران قبلا نیز در همین رابطه در نوزدهم شهریور تجمع کرده و با فریاد "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

دور جدیدی از اعتراضات در میان کارگرا ن نفت آغاز شده و گسترش می یابد. اخبار آنرا وسیعا رسانه ای کنیم.

اخباری از اعتراضات گسترده کارگری

- روز ۲۵ مهر، راننده های استیجاری مرکز بهداشت شهرستان مهرستان در استان سیستان و بلوچستان اعتراض خود را به تعویق پرداخت ۵ ماه مزد رسانه ای کردند.

زنده باد شورا!

۱۳/۱۱



پیش بسوی اعتصابات سراسری

کردن و دزدی اندک پس انداز مردم به این بهانه بخشی از بساط چپاول دلالان و سرمایه داران اختلاسگر است که معمولاً به باندهای حکومت متصل هستند.

- روز پنج شنبه ۲۴ مهر، کارگران سازمان پسماند شهرداری بجنورد در ادامه اعتراضاتشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی و عدم تبدیل قراردادهای کاری شان به دائم و وعده های توخالی مسئولان استان و شهرستان همراه با خانواده های خود مقابل شهرداری شهرستان و استانداری خراسان شمالی تجمع کردند. تجمع کنندگان همچنین به عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در چارچوب مقابله با بیماری کووید ۱۹ از جمله عدم توزیع ماسک های فیلتردار معترض بودند. زیر فشار این اعتراضات از سوی مقامات مسئول به کارگران وعده دو ماهه داده شد.

- طی روزهای ۲۱ و ۲۲ مهر کارگران پروژه بزرگراه اهر-مشگین شهر (شرکت پیمانکاری بلندپایه) در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند. زیر فشار اعتراض کارگران اداره کار شهرستان اهر روز ۲۴ مهر از کارگران مهلت یک هفته ای خواست و کارگران با اعلام اینکه اگر در راس یک هفته طلبهایشان پرداخت نشود، مجددا دست به اعتصاب خواهند زد، موقتا به اعتصاب خود خاتمه دادند. این کارگران ۴ تا ۶ ماه و بعضا یکسال مزد طلب دارند.

پیش بسوی

اعتصابات سراسری

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱ آبان ۱۳۹۹

۲۲ اکتبر ۲۰۲۰

- روز پنجشنبه ۲۴ مهرماه کارگران کارخانه زمزم تبریز در اعتراض به اخراج شماری از همکاران خود دست به تجمع زدند.

- طی هفته جاری خشت زن ها، کوره چین ها و کوره سوزه های کوره های آجرپزی شهرستان سبب و سوران در استان سیستان و بلوچستان با خواست افزایش حقوق وارد اعتصاب شده و این اعتصاب همچنان ادامه دارد. بنا بر خبر ها هم اکنون به دلیل نبود کارگر، کوره های آجر پزی شهرستان تعطیل شده است. -ظهر روز پنج شنبه ۲۴ مهر، جمعی از اعضای تعاونی مسکن فرهنگیان تبادکان در اعتراض به عدم تعیین تکلیف قطعی املاکشان مقابل فرمانداری طرقله شانندیز در استان خراسان دست به تجمع زدند. به گفته معلمان معترض، آنها در چند سال پیش اراضی ای را در منطقه حصار سرخ تبادکان خریداری کرده اند و به مرور زمان شخصی آمده و مدعی شده که بخشی از این املاک متعلق به او است. این قضیه به مراجع قضایی کشیده شده و در مراجع قضایی و دادگاه اول رای به نفع فرهنگیان صادر شده است. اما اکنون موضوع در حال تجدید نظرخواهی است و مراحل خود را طی می کند. در این میان اندک اندوخته معلمان که به امید داشتن سرپناهی زمینی خریده اند، دارد به یغما میروند.

- صبح روز ۲۴ مهر، فرهنگیان مالباخته "پروژه مجتمع آپارتمانی" گنبدکاووس در اعتراض به بی نتیجه ماندن پروژه پس از ۱۴ سال با وجود واریز هزینه ساخت، در میدان ایستگاه کلاله گنبدکاووس تجمع کردند. پروژه های مسکن سازی و اخذی

بخشی از نوشته منصور حکمت از «مبانی کمونیسم کارگری»



چگونه تئوری به نیروی مادی تبدیل میشود؟
منصور حکمت: در حزب ما و در اندیشه ما یک چیزی جا افتاده و آن اینکه تئوری ترشح طبقات نیست. سیاست ترشح طبیعی طبقات نیست. اینطور نیست که از طبقه بورژوا خودبخودی لیبرالیسم یا ناسیونالیسم بیرون میآید و از کارگر خودبخودی سوسیالیسم بیرون بیاید. بلکه طبقات اجتماعی با سیستمهای فکری و دیدگاههایی مواجه میشوند که محصول پروسه مبارزه طبقاتی هستند، ولی در بعد عقاید. عقاید اجتماعی با هم مقابل قرار میگیرند، تزه‌های

مختلفی به جامعه ارائه میشود و طبقات اجتماعی به اینها دست میبرند. در نتیجه رابطه‌ای که بین اوضاع اجتماعی و تئوری سوسیالیستی در ذهن ما است این است که اگر ما یک تئوری داریم که این تئوری با نیازهای این طبقه در این دوره خاص خوانایی دارد، این تئوری در مدت کوتاهی میتواند توده‌گیر بشود. تئوری از طریق آموزش توده‌گیر نمیشود. یکی از ارکان هویتی ما این است که تئوری از طریق سیاسی توده‌گیر میشود. اگر شما تئوری، دیدگاهها و آرمانهایی که دارید به یک انتخاب سیاسی تبدیل کنید،

لحظه‌ای که طبقات احتیاج دارند به اینکه این انتخاب را صورت بدهند، شما را آنجا ببینند، آنوقت تبدیل میشود به یک نیروی توده‌ای. آنوقت تئوری مادی میشود.

این درک قدیمی و سنتی چپها که گویا مارکسیسم از طریق آموزش به درون طبقه کارگر می‌رود، جزئی از تفکر ما نیست. مارکسیسم از طریق آموزش در طبقه کارگر نمی‌رود. مارکسیسم از طریق انتخاب طبقه کارگر به درون طبقه کارگر می‌رود. مارکسیسم هم اگر یکی از آپشنها و یکی از انتخابهای اجتماعی باشد، آن موقع که طبقه کارگر بین لیبرالیسم و ناسیونالیسم، رفرمیسم و مارکسیسم و کمونیسم کارگری انتخابهای سیاسی داشته باشد، ناگهان آن پرچم بلند میشود. بلشویکیها نه فرصتش را داشتند، نه رادیو و تلویزیونش را داشتند و نه مدرسه‌اش را داشتند که طبقه کارگر روسیه هفتاد میلیونی آن موقع را در مکتب بلشویسم آموزش بدهند و حتی در تمام روسیه امکان این که یک جلسه اینطوری بگیرند نبود.

طبقه کارگر روسیه بلشویسم را بر مبنای موضعش در قبال جنگ امپریالیستی و پاسخش به مسأله معاش خودش در سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ انتخاب کرد. در نتیجه رابطه‌ای که ما بین خودمان و جامعه برقرار میکنیم، جایگاهی که برای تئوری کمونیسم قائلیم و رابطه‌ای که بین تئوری مارکسیسم با طبقه برقرار میکنیم، رابطه‌ای باز آگاهانه و انتخاب سیاسی است. نه یک رابطه تزریق فکری، مذهبی و مؤمن ایجاد کردن به مارکسیسم. ما قصد ایجاد ایمان مارکسیستی در توده‌های وسیع را نداریم. ما میخواهیم جنبش کمونیسم کارگری را مثل یک جنبش جلوی جامعه بگذاریم و درست در آن لحظه‌ای که پراتیک اجتماعی و سیاسی مطرح میشود مطمئن هستیم که یک بخش وسیعی از کارگران این را انتخاب میکنند. در نتیجه اینجا هم نقش سیاست و جدال و جدل برای توده‌گیر شدن تئوری و نظریه برای ما تعیین کننده است. به هر حال تئوری برای ما یک سری "احکام حقیقی" و به اصطلاح یک سری "احکام علمی" که

ارائه میکنند و افراد انسانی با "خردشان" به صحت آن پی میبرند و از آن بیعت برای ابد مارکسیست میشوند، نیست. تئوری قرار است از معضل اجتماعی راهگشایی بکند. بنابراین باید خودش را به برنامه عمل تبدیل کند. آن برنامه عمل توسط جنبش‌هایی که آن تئوری را مبنی قرار داده‌اند به جلوی جامعه می‌رود. جامعه در یک تلافی سیاسی، در یک تلافی طبقاتی جدی، آن تئوریها را انتخاب میکند. اگر در سال ۱۳۵۷ کمونیسم کارگری یک واقعیت سیاسی معتبر، به اندازه جبهه ملی، به اندازه ناسیونالیسم، یا به اندازه مذهب در جامعه ایران بود، اگر یک سنت سیاسی دایری بود که این برنامه و پرچمش بود، هیچوقت جامعه ایران به آن سمت نمی‌پرخت. برای اینکه یک بخش ۳۰ درصدی جامعه ایران می‌رفتند پشت این پرچم و در آن مملکت دعوا میشد. این جزو انتخاب‌های مردم نبود. با اینکه این تئوری بود، با اینکه این اندیشه بود، با اینکه این برنامه‌ها بود، این برنامه‌ها بعنوان آلترناتیو اجتماعی-سیاسی جلوی جامعه نبود.*

از صفحه ۸

اعتصاب مرداد نفتگران ضربه ای به دژ ...



آبان خیزش مردم به ستوه آمده از فقر و مافیای سرمایه داری حاکم بود. آبان خیزش مردم به جان آمده از زندان و سرکوب و ارتجاع اسلامی بود.

خیزش آبان را با شعار نابود باد حکومت اسلامی گرامی میداریم!

به وضعیت بد معیشتی و وضع ناهنجار صندوق بازنشستگی و ابطال اساسنامه آن مقابل صندوق بازنشستگی نفت، اولتیماتوم دو هزار کارگر شاغل در عسلویه به اعتصاب در بیست و ششم مرداد ماه در اعتراض به اجرایی نشدن وعده‌های داده شده و با خواست رسمی شدن قرار دادهای کاری و پرداخت مطالباتشان، اعتصاب رانندگان نفت کش‌های خوزستان بدلیل نداشتن لاسنتیک و قیمت بالای آن و گرانی سرسام آور لوازم یدکی کامیون در بیست و هشتم مهرماه، رسانه‌ای شدن اعتراض کارگران اقماری مجتمع گازی پارس جنوبی بخاطر عدم اجرای ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت و اجرایی نشدن وعده‌های داده شده و تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پتروشیمی دهلران در اعتراض به اخراج و تعویق پرداخت چهار ماه مزد.

این چنین است که هم اکنون هزاران کارگر نفت و مراکز وابسته به آن همچنان در اعتصاب و اعتراض بسر میبرند و دامنه این اعتراضات هر روز گسترده تر میشود. اعتراضات کارگران نفت، در کنار اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه این سنگر مهم جنبش کارگری و گسترش دامنه

اعتراضات در بخش‌های مختلف کارگری بستر مهم اعتصابات سراسری کارگری است. و این عروج دیگری از جنبش کارگری در جلوی صحنه جنبش برای سرنگونی رژیم اسلامی و پایان دادن به توحش و بربریت سرمایه داری حاکم است.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran